

اجتهاد و نواندیشی^۱

آیت الله تسخیری^۲

چکیده:

رشد و تحولات سریع زندگی بشر و بروز مسائل مستحدثه و نوظهور در زندگی اجتماعی، پیامدهای فقهی و حقوقی خاص و پیچیده‌ای به دنبال دارد. اسلام به عنوان مکتب جامع، جاودان و جهان‌شمول باید پاسخ‌گوی این مسائل در تمام عرصه‌ها باشد.

این نوشتار با تأکید بر نواندیشی دینی، ضمن رد نظریه‌های لیبرال دموکراسی و پای‌بندی به اصول اسلام، به نظریه‌های اجتهاد متناسب با مقتضیات زمان و مکان (نظریه حضرت امام علیه السلام)، اجتهاد شورایی (نظریه آیت الله هاشمی رفسنجانی) و تجربه موفق آن در مجمع بین‌المللی فقه اسلامی و نظریه منطقه الفراق اشاره دارد.

واژگان کلیدی: مسائل مستحدثه، اجتهاد و نواندیشی، پیامدها، نظریه منطقه الفراق، مجمع بین‌المللی فقه اسلامی، اجتهاد شورایی.

«اجتهاد و نواندیشی» که در زبان عربی به آن «الاجتهاد والتجدید» می‌گویند به معنای تلاش علمی و فکری برای همراهی با تحولات زندگی فردی و اجتماعی بشر در سایه کتاب و سنت و با بهره‌گیری از اصل مترقی اجتهاد اسلامی است.

زندگی بشر همواره در حال پیشرفت، تحول و هرچه بیشتر پیچیده‌تر شدن است و هر روز موضوع‌های جدید و نوظهوری پدید می‌آید که در گذشته سابقه نداشته است. در همین صد سال اخیر در عرصه‌های نظری و عملی، بشریت با مسائلی روبه‌رو شده که در صدر اسلام وجود نداشته است؛ مسائلی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، پزشکی، پولی و مالی و مانند آن، مثل: آلودگی

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۳/۱۵؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۸/۱۹.

۲- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

محیط زیست، سوارخ شدن لایه اوزون، سفر به فضا، پیوند اعضا، مرگ مغزی، لقاح مصنوعی، انتقال خون، شبیه‌سازی، بانک، بیمه، تجارت الکترونیک، انواع معاملات جدید و... که همگی پیامدهای حقوقی خاص داشته و پیرامون آنها پرسش‌هایی وجود دارد که پاسخ مناسب می‌طلبد، و نیز در جنبه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی موضوعاتی مثل: قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم، آزادی‌های مدنی، سکولاریسم، گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، نهادهای بین‌المللی، حقوق بشر و... وجود دارد که تمامی از مسائل مستحدثه فکری، فقهی، اخلاقی و حقوقی زمان ما می‌باشد.

در زمینه علم کلام هم به نوبه خود پرسش‌های تازه‌ای مطرح است که در گذشته سابقه نداشته و علم کلام جدید را شکل می‌دهد.

اسلام به عنوان مکتبی پیشرو و پاسخ‌گو با ویژگی انعطاف‌پذیری، جامعیت، جهان‌شمولی و جاودانگی که اداره‌کننده جوامع بشری در تمامی عرصه‌های زندگی از آغاز تا پایان جهان است، برای تمامی این موضوعات و پرسش‌های نو پاسخ‌های مناسب و مطابق با فطرت دارد که هم تأمین‌کننده عدالت فردی و اجتماعی است و هم تضمین‌کننده رشد و تکامل بشر و حرکت او به سوی معنویت و سعادت دنیوی و اخروی.

اصل مترقی و مهمی که عهده‌دار استخراج پاسخ‌های اسلام از کتاب و سنت و عرضه آن به جامعه بشری است، اصل اجتهاد است. دانشمندان و متفکران اسلامی در مذاهب مختلف با بهره‌گیری از این اصل مهم به نوآوری و تجدید در اندیشه دینی دست زده پاسخ‌گویی اسلام را به مسائل نوظهور متبلور می‌سازند. این نواندیشی یا نوآوری و تجدید همواره در مسیر تکامل و بهینه‌سازی زندگی انسانها است؛ همان که در زبان قرآن مجید با کلمه تغییر از آن، تعبیر شده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ هَمَانَا خَدَاوَنَد حَال قَوْمِي رَا تَغْيِير نَمِي دَهْد تَا أَنَان حَال خُود رَا تَغْيِير دَهْنَد» (رعد / ۱۳).

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ این بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آن چه را در دل دارند تغییر دهند» (انفال / ۵۳).

مسئله تجدید و نوآوری در روایات به گونه‌ای روشن‌تر مطرح شده است: «ان الله يبعث على رأس كل مائة عام من يجدد لها دينها» خداوند در آغاز هر قرن فردی را بر می‌انگیزد که دین او را تجدید نماید. (ابی داوود، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲ ص ۱۹۳).

تجدید در دین یعنی چه؟ آیا همان‌گونه که برخی افراد می‌گویند، یعنی تطبیق اسلام با آرا و نظرات برگرفته از هرمنوتیک زمانه؟ تفسیر به رأی برای تحقق خواسته‌ها، افکار و آرای وارداتی بشر؟ همان‌گونه که یک فرد کم‌سواد در مصاحبه با روزنامه‌ای آلمانی گفته است که اسلام باید دست و پایش را جمع کند و خودش را بازمانه تطبیق دهد! عمق این سخن چنین است که خداوند متعال باید خودش را با علوم انسانی ناقص و رایج در زمانه تطبیق دهد! این افراد که توسط دوایر غربی به عنوان

اندیشمند مسلمان معرفی می‌شوند نظرشان تطبیق اسلام با اندیشه لیبرال دموکراسی حاکم بر غرب است.

این تفسیر از نواندیشی دینی صحیح نیست. صحیح آن است که ما در همه زمان‌ها ضمن پایبندی به اصول، اسلام را زنده، بالنده، پویا و پاسخ‌گو نگه داریم، از علوم و معارف بشری استفاده کنیم برای آن که حقیقت اسلام را بهتر بفهمیم، مقصود مولا را درک کنیم و هدفمان حاکمیت ارزش‌های الهی و تحقق مولویت حق در جامعه بشری باشد. معنای حقیقی تجدید که در روایات اسلامی، بیان ائمه اهل بیت علیهم‌السلام و نظرات ائمه اهل سنت آمده است، همین است؛ نوآوری در دین با بهره‌گیری از درون‌مایه‌های غنی دینی در سایه اجتهاد قانونمند و منضبط اسلامی به منظور پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه فقهی و فکری.

در این‌جا اشاره به چند نکته ضروری است:

۱- استحسان از اصول مورد اختلاف اندیشمندان اسلامی است و در تعریف آن گفته‌اند: «ما يستحسنه المجتهد بعقله؛ (ابن مصلح، ج ۴، ص ۱۴۶۳، اللمع، ص ۲۴۴، التبصره، ص ۴۹۲).

ائمه اهل بیت علیهم‌السلام استحسان را در استنباط احکام شرعی مردود شمرده‌اند. یک فقیه نمی‌تواند بر طبق آن چه به نظرش مستحسن است فتوا صادر کند. امام محمد بن ادریس شافعی هم گفته: «من استحسنت فقد شرع؛ هر کس بر اساس استحسان عقلی خود فتوا دهد تشریح نموده است (المعنی، ج ۷، ص ۲۴)؛ یعنی دریافت‌های ناقص انسانی خود را جزء مطالب مقدس اسلامی قرار داده است و این بدعت می‌باشد. ولی در مقابل، امام مالک بن انس از استحسان تعریف و تمجید کرده و گفته است: «لاستحسان تسعة اعشار العلم؛ نود درصد مطالب علمی و اجتهادی از روی استحسان است (ذکی عنه فی الاصول العامة للفقهاء المقارن، ص ۳۶۳). اگر به سخنان این بزرگان مراجعه کنیم درمی‌یابیم که منظور مخالفان استحسان همان ما يستحسنه المجتهد بعقله و تحمیل آرا و ذوقیات بشری بر نصوص شرعی از آیات و روایات است. ولی منظور مالک بن انس از استحسان تقدیم اقوی الدلیلین است؛ دو دلیلی که هر یک در جای خود معتبرند ولی به ظاهر با هم مغایرت دارند. در این‌جا فقیه دلیلی را که به نظرش اقوی است مقدم می‌دارد و این غیر از عمل به استحسانات ظنی است که «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس/۳۶ و نجم/۲۸).

۲- اجماع علمای مسلمان آن است که تجدید و نوآوری امری است که باید ریشه در درون دین داشته باشد و در چارچوب قواعد اجتهاد انجام پذیرد نه از خارج دین و با تکیه بر قرائات سطحی و بی‌ریشه. به عبارت دیگر، یگانه راه تجدید در اجتهاد، خود اجتهاد است. تنها مجتهد می‌تواند در دین تجدید و نواندیشی کند و با احیای معالم دین و برگرداندن احکام اسلام به جامعه متناسب با مقتضیات زمان و پاسخ‌گو به نیازهای آن، چهره تابناک اسلام را بهتر و روشن‌تر عرضه نماید.

امام راحل رحمته‌الله نمونه کامل مجتهد اسلامی و مجدد قرن بود و تجدید در اجتهاد را به زیباترین شکل خود به نمایش گذاشت. وی با تکیه بر فقه جواهری و با بهره‌گیری از اجتهادی که مرحوم

صاحب جواهر آن را در موسوعه فقهی عظیم خود به جوامع علمی نشان داده است، نوآوری‌های بسیار در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حکومتی از خود به یادگار گذاشته و اجتهاد را تنها راه شناخت اسلام و تجدید و نواندیشی معرفی کرد.

۳- نکته مهم و قابل توجه آن است که هرگونه نوآوری دینی باید از علم اصول فقه شروع شود. باید در علم اصول فقه تجدید نظر کرده آن را توسعه دهیم. باید نحوه استفاده بهینه از آیات و روایات را مد نظر قرار داده و به دنبال آن به تجدید در آرای فقهی بپردازیم. هرگونه نواندیشی در علم اصول فقه و ضوابط آن، فهم و نواندیشی عمیق‌تری را در علم فقه که علم زندگی است در پی خواهد داشت. برای نمونه، تحول عظیم از اخباری‌گری به اصولی‌گری، علم اصول را به قله رساند و به دنبال آن جوامع علمی شاهد پیدایش ایده‌های زیبای فقهی و اصولی شیخ انصاری، آخوند خراسانی، شهید آیت الله محمدباقر صدر و مرحوم امام راحل (قده) گردید. برای نمونه، شهید محمدباقر صدر یکی از قواعد مسلم علم اصول، یعنی برائت عقلی، را منکر شد و با رد قاعده قبح عقاب بلا بیان مولویت خداوند متعال را شامل تکالیف احتمالی هم دانست و فرمود اگر احتمال هم بدهیم که در موردی خاص امری از جانب حضرت حق متوجه بنده است، تکلیف منجز و ادای حق مولا واجب است و جایی برای اجرای برائت عقلی نیست (صدر، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸ به بعد). به نظر این‌جانب شهید صدر مجدد بزرگی است که در علم اصول مکتب جدیدی برای نوآوری بنیان نهاده است.

در بحث انسداد باب علم هم اصولیون تحولی عظیم ایجاد کردند و با مناقشه در آن و قول به انفتاح باب علم و علمی اثرات بزرگی در ابواب مختلف فقه ایجاد نمودند.

۴- از نکاتی که قابل توجه اندیشمندان است و می‌تواند آثار زیادی در نواندیشی دینی داشته باشد موضوع مقاصد الشریعه است. این موضوع را یکی از علمای بزرگ اهل سنت به نام شاطبی در کتاب خود «الموافقات» مطرح کرده و به خوبی آن را شرح داده است (شاطبی، ۱۴۴۸ق، ج ۲). از علمای متأخر هم شیخ محمد طاهر بن عاشور تونسی آن را توسعه داده است. موضوع مقاصد الشریعه می‌تواند آثار بزرگی بر استنباط‌های فقهی داشته باشد. شهید محمدباقر صدر هم در مسئله فروش دین قبل از فرارسیدن سررسید آن، به این موضوع اشاره می‌کند. وی در این مسئله که خریدار دین را به مبلغ کمتری می‌خرد تا در سررسید آن مبلغ بیشتری دریافت نماید و برخی آن را ربای معکوس دانسته و دو روایت هم در این خصوص نقل می‌کنند، می‌فرماید: من هر چند در عدم جواز این امر اشکال دارم ولی از آن‌جا که مضمون این دو روایت با ذوق فقهی من (یعنی شناختی که از مقاصد الشریعه دارم) هماهنگ است، این دو روایت را می‌پذیرم و بر طبق آن فتوا می‌دهم. بر این اساس خریدار دین باید در سررسید دین همان مبلغی را بپردازد که از فروشنده دین گرفته است و لا غیر.

۵- شهید صدر در اوایل جلد دوم «اقتصادنا» یکی از عوامل تأثیرگذار بر فتوای مجتهد را وضعیت فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه‌ای می‌داند که فقیه در آن زندگی می‌کند (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۴۰۰ به بعد). این وضعیت که فقیه آن را روال طبیعی می‌پندارد به‌طور ناخودآگاه بر درک علمی او مؤثر

است. شهید مطهری هم می‌گوید: فقیه دهاتی فقهش هم دهاتی است و فقیه شهری هم فقهش شهری است. یک فقیه دیدگاه فردی دارد و فقیه دیگر دیدگاه اجتماعی و جهانی. اینها عواملی است که بر دیدگاه فقیه و اجتهاد او تأثیرگذار است. این‌جا است که باید این عوامل را کنار زده به اجتهادی صاف و دقیق دست یابیم. پیشنهاد آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از راه‌های دستیابی به این طرز استنباط فارغ از این عوامل است و آن اجتهاد شورایی است که امروز در جهان اسلام به آن بسیار توجه می‌شود.

مجمع بین‌المللی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی که مرکز آن در جده است یکی از نمونه‌های موفق اجتهاد شورایی است که در آن فقها و مجتهدان مذاهب مختلف گرد هم می‌آیند، کارشناسان امر هم با آنها همراهی می‌کنند و موضوعات جدید را پس از حلاجی بسیار از نظر کارشناسی و موضوعی مورد بررسی فقهی قرار می‌دهند و فتوای مربوطه را صادر می‌نمایند. این اجتهاد همه جنبه‌های مسئله را در نظر می‌گیرد.

بنابراین یکی از راه‌های دستیابی به فقه ناب اسلامی کنار زدن عوامل غیر علمی‌ای است که ناخودآگاه بر استنباط فقیه تأثیر می‌گذارد. مشهور است که یکی از فقهای گذشته هنگام بررسی حکم آب چاهی که در آن نجاست افتاده باشد، دستور داده بود که چاه آب منزلش را پر کنند تا ناخودآگاه تحت تأثیر شرایط قرار نگیرد!

ع- منطقه الفراغ یعنی جاهایی که حکم الزامی و جوبی یا تحریمی از سوی شارع مقدس وارد نشده است و قلمرو آزادی است که ولی امر مسلمانان می‌تواند طبق مصالح در آن قانون‌گذاری کند. این مسئله مهمی است که از ابتکارات شهید محمد باقر صدر می‌باشد (پیشین، ص ۴۰۰).

أهل سنت اصلی دارند به نام مصالح مرسله؛ یعنی مصلحت‌های فردی و اجتماعی که از جانب شارع مقدس نصی بر آن وارد نشده ولی عقل بشر به مصلحت بودن آن حکم می‌کند. فقه شیعه این اصل را نپذیرفته و به فقیه حق قانون‌گذاری در مصالح ظنی نداده است ولی در جمهوری اسلامی ایران امام راحل (قده) با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به ابتکار جالبی زد. در این شورا که مجمعی از فقها و کارشناسان است مصالحی که در گذر زمان برای جامعه اسلامی پیش می‌آید و نصی شرعی در آن وجود ندارد، توسط فقها و اندیشمندان کارشناس و برجسته بررسی گردیده سپس به صورت پیشنهاد به ولی امر مسلمانان ارائه می‌شود و ولی امر مسلمین نه به عنوان یک حکم فقهی بلکه به عنوان حکمی حکومتی، دستور اجرای آن را صادر می‌کند و ممکن است مجمع از طرف ولی امر، خود دستور اجرای آن را بدهد. بنابراین پر کردن خلأ قانون‌گذاری در منطقه مباحات شرعی نه در اختیار فقها بلکه در اختیار ولی امر مسلمانان و قلمرو آزاد قانون‌گذاری اوست.

۷- گسترش قواعد فقهی: قواعد فقهی، قواعدی است که نص صریح بر حجیت آن وارد نشده ولی فقها و مجتهدان با بررسی آیات، روایات و احکام مختلف به قواعدی دست یافته‌اند که از مجموع آنها استنباط می‌شود. این قواعد به نوبه خود نقش مهمی در استنباط احکام شرعی ایفا می‌کند. تعداد این

قواعد که تا به حال توسط فقهای بزرگوار ارائه شده است تا ۱۲۰۰ قاعده هم شمارش شده است. تلاش علمی برای گسترش این قواعد تلاشی مبارک و پرثمر است. ما هر چه بتوانیم قواعد بیشتری را کشف کنیم استنباطمان از نصوص شرعی قوی تر و جامع تر خواهد شد. فقهای اسلام می توانند در تمامی زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی، با استفاده از آیات، روایات، احکام جزئی، مفاهیم ارزشی و مقاصد الشریعه تئوری های عمومی وضع نمایند و در پرتو آنها به پاسخ گویی به مسائل مستحدثه بپردازند. شهید محمد باقر صدر در «اقتصادنا» با استفاده از همین منابع تئوری، «کار اساس مالکیت است» را استنباط کرده است (پیشین، ص ۳۶۰). این راه برای همه فقها باز است تا در این زمینه به نظریه پردازی بپردازند و قواعد بیشتری را وضع نمایند.

به هر حال مسائل مستحدثه در زندگی بشر بسیار است و روابط و مناسبات فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... روزبه روز پیچیده تر می شود و مسائل نوظهوری پدید می آورد که باید متناسب با آن در علوم اسلامی دست به نوآوری زد، ولی هرگونه نوآوری باید از منطق علمی خاص خود پیروی کرده در همان چارچوب به سامان برسد تا مرضی خداوند متعال باشد وگرنه بدعت و ادخال ما لیس من الدین فی الدین است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابی داود، سلیمان بن الاشعث، سنن ابی داود، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن مفلح، محمد، عقیق د. فهد السدحان، مکتبه العبیکان، ریاض، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۵. فیروزآبادی، ابراهیم بن علی، تحقیق: محیی الدین دبیبی و یوسف علی بدیوی، دار ابن کثیر، بیروت، و دار الکلم الطیب، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۶. فیروزآبادی، ابراهیم بن علی، تحقیق: د. محمد حسن هیتو، دار الفکر، دمشق، ۱۴۰۳ق.
۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، دار الکتاب العربی، بیروت.
۸. غزالی، محمد بن محمد، المنحول، تحقیق: محمد حسن هیتو، دار الفکر، دمشق، و دار الفکر المعاصر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۹. تاسیم، محمدتقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ دوم، ۱۹۷۹م.
۱۰. صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)، دار الکتاب اللبنانی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۱. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، المجمع العلمی للشهید الصدر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۲. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، تحقیق: محمد عبدالقادر الفاضلی، المکتبه العصریه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۴۸ق.